

ارثی بودن دین کافی نیست

Please see the attached file for an English Translation of this article.

در مُلک معنا فقر نداشتن نیست

قناعت به آنچه داشتن است

دوست دیرینه من شادروان احمد درویش یکی از ادبای فرقه دراویش گنابادی، انسانی والا صمیمی و فارغ از هر گونه نفرت دینی و فرقه ای بود و بهترین طریقه اظهار محبت ایشان این بود که مرا به قطب درویشان معرفی و سجاده قطب را برسم یادگاری به من لطف کردند.

روزی از آقای درویش سؤال کردم، آیا فرزندان بالغ شما نیز جزء فرقه درویشانند؟ گفت خیر درویشی موروثی نیست فرزندان من علاوه بر احترام به ارثی بودن دین و فرقه، همانطور که مطالعه برای ورود به دانشگاه لازم است خود نیز باید مطالعه کنند که آگاهانه قدم بردارند، چون مصلحت بینی از حقیقت بینی زاده می شود و حقیقت بینی از مطالعه و همین مطالعه، موجب دوام و بقای اوامر عقلانی ارثی می گردد.

و گرنه همانطور که طوطی درک معنا ندارد و گفتار او صوتی بیش نیست، فرزندان من نیز مانند اکثریت مطلق پیروان همه ادیان دنیا، نوشته ها را بدون درک زبان و معنا تکرار خواهند کرد که گفتارشان مانند طوطی صوتی بیش نبوده و نخواهد بود و همین ها هستند که با اندک نسیمی (تبلیغی) مانند شاخه های خشک شکننده نباتات، خم و راست و آلت دست دیگران می گردند. و خود و دنیا را به آتش می کشند، تاریخ گذشته و حال دنیا را نگاه کنید! این است بازده قبول بدون مطالعه.

آری قبول بدون مطالعه، اندیشیدن را از پیرو سلب می کند و اینگونه افرادند که زنجیره نفرت های دینی و فرقه ای و تقلید را نسل اندر نسل تدریس و ندانسته به تصور حفظ ارثیه می پذیرند و شعارشان گویای شعورشان است که می بینیم، فقط با شنیدن نام دین و فرقه افراد درصدد قضاوت غیر منطقی، حتی قتل یکدیگر برمی آیند و سعی دارند این ارثیه منحوس را مانند زن معیوب خانوادگی نسل اندر نسل در لباس حفظ هویت محفوظ بدارند تا هر از چندی فرزند یا فرزندانی، در مجموع دنیائی را بطوری که می بینیم، به گونه ای زمین گیر کنند که به گفته فریدون مشیری موجب مرگ انسانیت گردند.

صحبت از آزادگی پاکی مروت ابلهی است صحبت از مرگ محبت مرگ عشق گفتگو از مرگ انسانیت است

بسیارند که هر یک از ارثیه های دینی، نژادی وطنی و مرامی خود را هویت خویش می نامند به این معنی که به تعداد هزاران دین و فرقه و نژاد و غیره هر یک از پیروان هویت خاص خود را دارند و همین فرضیه غلط است که نطفه اختلاف و دو دستگی بین ابنا بشر را پرورش داده در حالی که هویت واقعی هر فردی از افراد بشر، هویت مشترک انسانی او با همه انسان های دنیاست که قادر است آسایش و آرامش را برای همه افراد دنیا به ارمغان بیاورد.

امروز دنیای متمدن سرگردان، از ترس جهنم به مار غاشیه پناه برده، از سقوط واجب این گروه، از ترس ظهور گروه بدتر، به قیمت فدای جان و مال میلیون ها آواره، درمانده، و هر دولتی در عین نگرانی از آینده خود به نحوی درصدد بهره برداری از آب گل آلود است در حالی که مفسده جویان برای آموزش شیران، و رواج تنفر دینی و فرقه ای دستور العمل های فتنه انگیز را بدون توجه جهانیان هر روز در سراسر دنیا در لباس ترویج ادیان زیر پرچم دموکراسی آزادانه، تدریس می کنند و دولت ها به جای جلوگیری از تدریس فتنه، به دنبال آفتابه دزدها می روند که بازده آن بسط شرارت، تعصب و فراموش شدن وجدان و انسانیت به گونه ای است که به قول شاعر:

رها کردیم خالق را گرفتاران ادیانیم تعصب چیست در مذهب مگر نه اینکه انسانیم؟

اگر روح خدا در ماست، خدا گر مفرد و تنهاست ستیزه پس برای چیست؟

برای خودپرستی هاست، «برای کسب روزیهاست؟- متاع بی بها، جان انسان هاست جان انسان هاست».

دوستان: حقیقت از ایمان برتر است واقع بین باشیم، کوچکترین نکته ای که ما و نسل های آینده ما را به استقلال فکری خردمندانه و امنیت همراه با باور به اوامر عقلانی مانند ده فرمان برانگیزاند، بر مهم ترین دستور موهوماتی که آنها را به اسارت و تنفر بکشاند برتری دارد از موهومات تعصب و تکرار اشتباهات کورکورانه گذشته خودداری کنیم. هیچ پیروی ملزم به تکرار اشتباهات گذشتگان خود نیست، با تکرار اشتباهات، نیز نمی توان انتظاری جز تحمل مکرر ناکامی های گذشته داشت. تکرار اشتباهات گذشته مقدمه ای است برای اجرای خطاهای بعدی، دنیا را نگاه کنید شریان مستعد، طبق نوشته های مورد قبول ارثی که نوشته اند بکشید می کشند و هرگز پایانی بر آن متصور نخواهد بود مگر آنکه به حکم زمان، بوسیله فرد فرد وارثین آگاه ادیان، نوشته های فتنه انگیز از همه کتاب های دینی حذف گردد. از گذشته عبرت بگیریم تا بتوانیم آینده بهتری فراهم کنیم. مباد روزی که فجایع دینی جاری، برای جهانیان امری عادی تلقی گردد.

امروز دنیا هم گام باجهش عظیم علم، مانند جهش فرار از دوران جاهلیت، محتاج جهش به مرحله انسانیت از طریق حذف موجبات نفرت های دینی و فرقه ای جهانی است هر چه زودتر بدبختی کمتر، هر نسلی برای حفظ ارثیه ملزم به فهم و اجرای بهتر است نه تقلید کورکورانه.

گر بگویم شرح آنرا من تمام صد قیامت بگذرد وین ناتمام.

به گفته انیشتین به هوس قطره دریا را فراموش نکنیم. ارثیه های عقلانی خوانا با تمام زمان ها مانند هم نوعت را مانند خودت دوست بدار تورات مقدس، مثل دوست دانا، خواستنی و ماندنی است که شاعر آنرا درباره دوست، بسیار زیبا ترسیم کرده می گوید:

دوستی با مردم دانا چو زرین کاسه ای است نشکند، گر بشکند بتوان ز نو پرداختن

دوستی با مردم نادان سفالین کاسه ای است بشکند، گر نشکند بتوان بدور انداختن

ارثیه های عقلانی مانند کاسه زرین هستند و چنانچه بشکند، (با زمان خوانا نباشند) می توان آنها را تطبیق داد و حفظ کرد. گفته ها و نوشته های فتنه انگیز دوراندختنی اند دوران تقلید کورکورانه به سر آمده و بشر صدمه دیده؛ از تقلید به حکم زمان به استناد و استدلال عقلانی روی خواهد آورد که نمونه بارز و ارزنده بسیار جالب آن گفتگوهای خصوصی و علنی بی سابقه مردمان حاکی از بیداری بسیاری از پیروان و گفته های آزاد اندیشانه پاپ فرانسیس و طرد تدریجی مهملات منتسب به دین است.

تاریخ خون آلود کلیسا حاوی فجایع بی شمار را مطالعه کنید تا بدانید پاپ فرانسیس رهبر همان کلیسائی است که درگذشته های دور سهم بهشت به مردم می فروخت و فردی پیدا می شود که کل جهنم را کتبا از آنها می خرد و به مردم می گوید سهم بهشت نخرید من مالک جهنم هستم و هیچ کس را به جهنم راه نخواهم داد! طبعاً همه به بهشت خواهند رفت و بدین وسیله به این شبادی ها پایان می دهد، امروز این تنها توده عظیم مردم دنیا نیستند که به منطق رو آورده اند و این پاپ نیست که سخن می گوید قدرت زمان و حرکت بسوی تکامل است.

نتیجه گیری: دوستان: ارثیه ای که رشد نکند مانند درختی که رشد آن متوقف گردد، حتماً خشک خواهد شد، هیچ ارثیه یا نوشته ای نیز آنقدر مقدس نیست که نتوان از طریق تطبیق با زمان اجرا، آنرا بهبودی بخشید. بهترین شاهد و نمونه بارز آن زبان عبری ارثیه مسلم چند هزار ساله ملت یهود است. آیا می دانید از صد هزار کلمه زبان عبری محاوره امروز، فقط دوازده هزار واژه آن متعلق به زبان عبری اولیه ارثی است و 88 هزار تای بقیه به کوشش شادروان الیعزر پرلمن بن یهودا 1858 - 1922 و آکادمی فرهنگ عبری که او آنرا تاسیس کرد بدست آمده، که امروز ملت و دولت یهود توانسته زبان رسمی داشته باشد؟ آری هر وارثی وظیفه دارد ارثیه را بهبودی ببخشد تا قابل استفاده زمان گردد. اوامر عقلانی ارثیه عزیز خود را به هدف فهم و اجرای بهتر، بپذیریم تا به بقای آنها کمک کرده و پیروانی بهتر و موفق تر داشته باشیم و در این باره حق کسانی ادا خواهد شد که آمادگی و لیاقت دریافت آنرا داشته باشند چنین آمادگی ارثی نیست اکتسابی است چون نفس اوامر دینی تغییر ناپذیرند، ولی فهم بشر تغییر پذیر، به حکم طبیعت و به گفته خیام هر نسلی وظیفه دارد حتی یک نفس از نسل قبل جلوتر. بهتر عمل کند چون حاصل عمر ما، همین یک نفس است.

از منزل کفر تا بدین یک نفس است وز عالم شک به یقین یک نفس است

این یک نفس عزیز را خوش میدار چون حاصل عمر ما همین یک نفس است

ابوسعید ابوالخیر (عارف قرن چهارم هجری متولد شهر میهنه) را برای سخنرانی به مسجدی دعوت می کنند او به منبر می رود، در اثر ازدحام، فردی از بین جمعیت فریاد می زند و می گوید مردم هر جا ایستاده اید یک قدم به جلو بردارید، ابوسعید با شنیدن این گفته، از منبر پائین می آید و می گوید من دیگر حرفی ندارم هر چه را که می خواستم بگویم او گفت، آری یک نفس همان یک قدم به جلو برداشتن عاقلانه است و بس.

خواهی که شوی در عمل استاد زمانه؟ در مکتب عقل تجربه آموز و دگر هیچ

روزی که ز اذهان عادت تقلید بزایند از عمر حساب است همان روز و دگر هیچ

برای دریافت کپی مقالات نورالله گبای به زبان های فارسی و انگلیسی
و نیز نسخه های کتاب ایشان با عنوان "لحظاتی برای تفکر" به وب سایت

BabaNouri.com

مراجعه و لطفا به دوستان نیز توصیه کنید.

Please find the English translation of this article
in the attached file. Thank you.